



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اصول الفقه (عام و خاص)

شبهه مصداقیه مخصّص لّبی ۱

جلسه ۱۱۹

استاد نجار زاده

تنبیه

جواز تمسّک به عام در شبهه مصداقیه (مخصّص لّبی)

مخصّص لّبی:

مراد از «مخصّص لّبی» آنچه در مقابل مخصّص لفظی بوده می‌باشد؛ نظیر اجماع و دلیل عقل.

نظریات:

۱. به مرحوم محقق انصاری نسبت داده شده که ایشان تمسّک به عام در شبهه مصداقیه را مطلقاً

جایز دانسته‌اند؛ مشروط به اینکه مخصّص لّبی باشد و جماعت بسیاری از متأخرین نیز تبعیت

ایشان را نموده و آن را تجویز کرده‌اند.

۲. صاحب کفایه در این مسئله تفصیل قائل شده و فرموده‌اند:

الف. قرینه بودن مخصّص لّبی:

موردی که مخصّص لّبی از جمله قرائن و اموری باشد که متکلم در بیان مرادش بتواند به آن اعتماد و

استناد نماید؛ مثل اینکه مخصّص، از امور عقلی ضروری بوده که در این صورت، همچون مخصّص متصل

محسوب شده و در نتیجه، مانع از انعقاد ظهور برای عام در عموم می‌شود؛ لذا تمسّک به آن در شبهه

مصداقیه صحیح نیست.

ب. عدم قرینه بودن مخصّص لّبی:

جایی که مخصّص اینگونه نباشد؛ مثل اینکه تخصیص، به آن صورت ضروری نیست که متکلم در بیان

مقصود و مرادش بتواند به آن اعتماد کند که در این فرض، مانعی از تمسّک به عام در شبهه مصداقیه وجود

ندارد؛ زیرا عام به ظهورش همچنان باقی بوده و آن حجتی است بدون مزاحم.



مرکز مجاز امام صادق (ع)

مثال:

اگر مولی، بنده را امر کند که همسایگان او را اکرام کند و برای بنده، قطع حاصل شود که مولی اکرام دشمن خود را قصد ننموده؛ در اینجا، تنها وی معلوم العداوة را باید مورد اکرام قرار ندهد؛ ولی حق ندارد از میان همسایگان، کسی را که در عداوتش با مولی شک دارد اکرام نکند و مولی در مقابل این ترک اکرام حق دارد او را مورد بازخواست و مؤاخذه قرار دهد و بنده نمی‌تواند در مقام اعتذار، به مجرد احتمال عداوت متمسک شود؛ بنابراین، ظهور عام در این مقام، به مقتضای بناء عقلاء حجت محسوب می‌گردد.

نکته:

از اینکه عموم عام شامل فرد مشکوک می‌شود؛ می‌توان کشف کرد که مصداق مزبور فرد برای خاص نبوده و در زمره آن افرادی که قطعا از حکم عام بیرون هستند داخل نمی‌باشد.

مثلا: لعن الله بنی فلان قاطبة.

قطعا مؤمنین از «بنی فلان» مشمول این حکم نبوده و لعن ایشان جایز نیست؛ ولی اگر فردی از این طائفه را یافتیم که در ایمانش شک داشتیم؛ می‌توان بعموم عام تمسک کرده و حکم به جواز لعن وی نمود و سپس قیاسی این چنین تشکیل داد:

هذا ممن يجوز لعنه و كل من جاز لعنه ليس مؤمنا.

و در نتیجه می‌توان گفت: هذا الشخص ليس مؤمنا.